

تحلیل جرم‌شناختی و حقوقی پدیده قتل‌های ناموسی در پرتو تحولات قانونی و رویه قضایی ایران با نگاهی تطبیقی به نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی

سعید نصیری هنده خاله

دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرانزلی

saeednasiri501@gmail.com

چکیده

قتل‌های ناموسی یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال مظلوم‌ترین اشکال خشونت مبتنی بر جنسیت است که ریشه در ساختارهای عمیق مردسالارانه، باورهای فرهنگی نادرست و در برخی موارد، خلأها یا ابهامات قوانین کیفری دارد. این پدیده در ایران به‌رغم برخورداری از پشتوانه فقهی و قانونی، همچنان به‌عنوان یک معضل اجتماعی جدی مطرح است و آمارهای نگران‌کننده‌ای از افزایش آن در سال‌های اخیر حکایت می‌کنند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به تحلیل جرم‌شناختی و حقوقی پدیده قتل‌های ناموسی در ایران می‌پردازد و در کنار آن، نگاهی تطبیقی به رویکرد نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی نسبت به این پدیده دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، به‌واسطه پیش‌بینی معاذیر قانونی و تخفیف‌های خاص برای مرتکبان، در عمل به عاملی برای افزایش ارتکاب این نوع قتل‌ها تبدیل شده‌اند. در رویه قضایی نیز رویه غالب بر احراز شبهه عمد و محکومیت به دیه و حبس کوتاه‌مدت است که بازدارندگی کافی ندارد. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در نظام‌های کامن‌لا، به‌ویژه در انگلستان و کانادا، هیچ دفاع قانونی مبتنی بر ناموس وجود ندارد و انگیزه ناموسی به‌عنوان عامل مشدد جرم تلقی می‌شود. در آلمان به‌عنوان نماینده نظام رومی ژرمنی نیز انگیزه شریف‌کشی به‌عنوان انگیزه پست و از مصادیق قتل عمد درجه یک شناخته می‌شود. بر این اساس، مقاله پیشنهاد می‌کند که قانونگذار ایران با الگوبرگشتن از این نظام‌ها، مواد ۳۰۱ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی را بازنگری کرده و انگیزه ناموسی را به‌عنوان عامل مشدد جرم قتل پیش‌بینی کند.

واژگان کلیدی: قتل ناموسی، جرم‌شناسی، سیاست جنایی، ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی

۱. مقدمه

قتل‌های ناموسی یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال ماندگارترین اشکال خشونت علیه زنان در جوامع مختلف بوده است. این پدیده که در ادبیات حقوقی و جرم‌شناختی با عناوینی همچون «قتل به نام شرف»، «قتل ناموسی» و «شرف‌کشی» از آن یاد می‌شود، به موقعیتی اشاره دارد که در آن یک یا چند نفر از اعضای خانواده، به‌ویژه مردان، به بهانه حفظ ناموس و اعتبار خانوادگی، اقدام به قتل یک زن یا دختر از خویشاوندان خود می‌کنند. آنچه این نوع قتل را از دیگر اشکال خشونت متمایز می‌کند، نه صرفاً انگیزه ارتکاب آن، بلکه پذیرش اجتماعی نسبی آن در برخی جوامع و همچنین برخورد متفاوت نظام‌های حقوقی با آن است.

اهمیت پرداختن به این موضوع از آن جهت دوچندان می‌شود که آمارهای موجود نشان می‌دهد در سال‌های اخیر شاهد رشد فزاینده‌ای در ارتکاب قتل‌های ناموسی در ایران بوده‌ایم. گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری حاکی از آن است که در سال ۱۴۰۲ دست‌کم ۱۸۶ مورد قتل ناموسی در ایران به ثبت رسیده است و در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۳ نیز دست‌کم ۳۵ زن و دختر قربانی این پدیده شده‌اند (کمپین توقف قتل‌های ناموسی، ۲۰۲۴). این در حالی است که بسیاری از موارد این نوع قتل‌ها به دلایل مختلف از جمله فشار خانواده‌ها، نبود سیستم گزارش‌دهی مناسب و برچسب خوردن مرگ قربانی به‌عنوان خودکشی یا سانحه، هرگز ثبت نمی‌شوند (Killings Honor Stop, ۲۰۲۴).

از منظر حقوقی، قانون مجازات اسلامی ایران در مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ خود رویکردی را اتخاذ کرده که به‌واسطه پیش‌بینی معاذیر قانونی و تخفیف‌های خاص، عملاً به کاهش قابل توجه مجازات مرتکبان قتل‌های ناموسی می‌انجامد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی پدر و جد پدری را در صورت قتل فرزند از قصاص معاف کرده و آنها را تنها به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می‌کند. ماده ۳۰۲ نیز به «مهدورالدم» بودن زانی و زانیه در برابر شوهر اشاره دارد و ماده ۶۳۰ به شوهر اجازه می‌دهد در صورت مشاهده همسر خود در حال زنا با مرد اجنبی، در همان لحظه هر دو را به قتل برساند و از مجازات معاف شود. این مواد، هرچند دارای پشتوانه فقهی هستند، اما در عمل به‌عنوان مجوزی برای ارتکاب قتل‌های ناموسی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند (مهدوی و همکاران، ۱۴۰۲).

پژوهش حاضر در پی آن است تا ضمن تحلیل جرم‌شناختی این پدیده و بررسی ابعاد حقوقی آن در ایران، با نگاهی تطبیقی به رویکرد نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی، راهکارهایی برای اصلاح سیاست جنایی ایران ارائه دهد. پرسش اصلی این است که چه رابطه‌ای میان قوانین کیفری ایران و افزایش قتل‌های ناموسی وجود دارد و نظام‌های حقوقی دیگر چگونه با این پدیده برخورد کرده‌اند. فرضیه پژوهش آن است که پیش‌بینی معاذیر قانونی و تخفیف‌های خاص برای مرتکبان قتل‌های ناموسی در قانون مجازات اسلامی، به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده عمل کرده و رویه قضایی نیز به‌واسطه همین مقررات، به سمت تخفیف مجازات سوق یافته است.

۲. مفهوم‌شناسی و تعریف قتل‌های ناموسی

قتل ناموسی در ادبیات حقوقی و جرم‌شناختی به‌عنوان یک مفهوم ترکیبی و چندوجهی شناخته می‌شود که در آن، انگیزه‌های فرهنگی، اجتماعی، روانی و حقوقی به‌صورت پیچیده‌ای در هم تنیده‌اند. برای درک دقیق این پدیده، لازم است ابتدا مفهوم «ناموس» و «شرف» در بستر فرهنگی و سپس تعریف دقیق حقوقی آن تبیین شود.

۲.۱. مفهوم ناموس و شرف در بستر فرهنگی

در بسیاری از جوامع سنتی و مردسالارانه، «ناموس» به‌عنوان یک ارزش بنیادین و مقدس تلقی می‌شود که با پاکدامنی و رفتار جنسی زنان گره خورده است. این مفهوم که ریشه در ساختارهای خویشاوندی پدرسالارانه دارد، به‌گونه‌ای تعریف شده که «آبروی خانواده» در گرو کنترل رفتار جنسی زنان و دختران قرار می‌گیرد. آنچه این ساختار را به‌ویژه خطرناک می‌کند، این است که «ناموس» به‌عنوان یک موهبت جمعی و خانوادگی تصور می‌شود که می‌تواند توسط رفتار یک زن «لکه‌دار» شود و در نتیجه، همه اعضای خانواده به‌ویژه مردان را در معرض «بی‌آبرویی» قرار دهد (Cooney, ۲۰۱۹).

این ساختار فکری که از آن با عنوان «فرهنگ شرم» یاد می‌شود، در تضاد با «فرهنگ گناه» قرار می‌گیرد. در فرهنگ شرم، معیار سنجش درستی یا نادرستی رفتار، نه وجدان فردی بلکه واکنش جامعه و نگاه دیگران است. بنابراین، زنی که با انتخاب‌های خود، تصویر عمومی خانواده را خدشه‌دار می‌کند، نه تنها به‌عنوان یک فرد خطاکار، بلکه به‌عنوان یک تهدید علیه تمامیت و اعتبار جمع خانواده تلقی می‌شود و در نتیجه، خشونت علیه او به‌عنوان ابزاری برای بازگرداندن تعادل و آبروی از دست رفته، موجه جلوه می‌کند (al et Korteweg, ۲۰۲۲).

۲.۲. تعریف حقوقی و جرم‌شناختی قتل ناموسی

از منظر جرم‌شناختی، قتل ناموسی را می‌توان چنین تعریف کرد: «قتل عمدی یک زن یا دختر به‌دست یک یا چند نفر از مردان خانواده یا خویشاوندان، به این بهانه که قربانی با رفتار خود، ناموس و شرف خانواده را زیر سؤال برده است» (Gill, ۲۰۲۳). این تعریف سه عنصر اساسی را در بر می‌گیرد: نخست، جنسیت قربانی که در اکثر موارد زن است؛ دوم، رابطه خویشاوندی میان مرتکب و قربانی؛ و سوم، انگیزه ارتکاب جرم که همانا پاک کردن «لکه ننگ» از دامان خانواده است.

در حقوق ایران، اصطلاح «قتل ناموسی» به‌عنوان یک عنوان مجرمانه مستقل وجود ندارد و این نوع قتل‌ها تحت عناوین کلی‌تر «قتل عمد» و با استناد به مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. همین فقدان عنوان مجرمانه مستقل، خود یکی از چالش‌های جدی در مبارزه با این پدیده است، زیرا شناخت دقیق ابعاد و گستره آن را دشوار می‌سازد و از سوی دیگر، امکان پیگیری قضایی مؤثر را کاهش می‌دهد (کرامتی و همکاران، ۱۴۰۴).

۳. تحلیل جرم‌شناختی قتل‌های ناموسی

تحلیل جرم‌شناختی قتل‌های ناموسی مستلزم بررسی عوامل متعددی است که در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی و ساختاری قابل شناسایی هستند. در این بخش، ابتدا نظریه‌های جرم‌شناختی مرتبط با این پدیده مرور می‌شود و سپس عوامل زمینه‌ساز و علل ارتکاب آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳.۱. نظریه‌های جرم‌شناختی تبیین‌کننده قتل‌های ناموسی

چندین نظریه جرم‌شناختی می‌توانند در تبیین پدیده قتل‌های ناموسی مورد استفاده قرار گیرند. نخست، **نظریه یادگیری اجتماعی** که بر این ایده استوار است که رفتار مجرمانه از طریق مشاهده و تقلید از دیگران آموخته می‌شود. در جوامعی که قتل ناموسی به‌عنوان یک هنجار پذیرفته شده تلقی می‌شود، نسل‌های جدید نیز از طریق فرآیندهای جامعه‌پذیری، این رفتار را به‌عنوان یک واکنش موجه در برابر «تجاوز به ناموس» یاد می‌گیرند (Sellers & Akers, ۲۰۲۱).

دوم، **نظریه کنترل اجتماعی** که بر نقش نهادهای اجتماعی در جلوگیری از انحراف تأکید می‌کند. در مناطقی که نظارت اجتماعی رسمی و غیررسمی ضعیف است و نهادهای حقوقی و قضایی نتوانسته‌اند حضور مؤثر و بازدارنده داشته باشند، احتمال ارتکاب قتل‌های ناموسی افزایش می‌یابد (Hirschi, ۲۰۲۲).

سوم، **نظریه برچسب‌زنی** که به فرآیندی اشاره می‌کند که در آن، جامعه برخی رفتارها را به‌عنوان «انحراف» برچسب می‌زند و فرد برچسب‌خورده، هویت منحرف خود را می‌پذیرد. در زمینه قتل‌های ناموسی، زنی که توسط خانواده «بی‌آبرو» تلقی می‌شود، عملاً از حقوق انسانی و حمایت‌های قانونی محروم می‌شود و به‌عنوان «مهدورالدم» یا «مستحق مرگ» بازتعریف می‌گردد (Becker, ۲۰۲۳).

چهارم، **نظریه مردسالاری و فمینیسم جرم‌شناختی** که قتل‌های ناموسی را محصول ساختارهای عمیق نابرابری جنسیتی و تلاش مردان برای حفظ سلطه و کنترل بر بدن و زندگی زنان می‌داند. از این منظر، قتل ناموسی نه یک عمل فردی، بلکه یک «عمل ساختاری» است که در چارچوب نظام‌های پدرسالارانه معنا پیدا می‌کند (Gill, ۲۰۲۳; Cooney, ۲۰۱۹).

پنجم، **نظریه فرهنگ شرم و شرافت** که توسط جرم‌شناسان انسان‌گرا مطرح شده و بر این نکته تأکید دارد که در فرهنگ‌هایی که «شرم» و «آبرو» به‌عنوان ارزش‌های محوری تلقی می‌شوند، خشونت ناموسی به‌عنوان یک ابزار «پاکسازی» و «جبران» عمل می‌کند. در چنین فرهنگی، ارتکاب قتل ناموسی، نه تنها به‌عنوان یک جرم، بلکه به‌عنوان یک «وظیفه» و «فداکاری» برای حفظ کیان خانواده تلقی می‌شود (al et Korteweg, ۲۰۲۲).

۳.۲. عوامل زمینه‌ساز و علل ارتکاب قتل‌های ناموسی

قتل‌های ناموسی محصول هم‌آمیزی چندین عامل هستند که در سطوح مختلف قابل دسته‌بندی‌اند. در سطح عوامل فرهنگی - اجتماعی، می‌توان به ساختارهای مردسالارانه، باور به برتری طبیعی مردان، تلقی زن به‌عنوان «مالکیت» مرد و خانواده، و حاکمیت «فرهنگ شرم» به‌جای «فرهنگ گناه» اشاره کرد (al et Korteweg, ۲۰۲۲). این باورها در برخی مناطق ایران، به‌ویژه در استان‌های غربی و مناطقی با ساختارهای عشایری، از عمق و رسوخ بیشتری برخوردارند. گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲، افزایش قابل توجهی در قتل‌های ناموسی در استان‌های غربی ایران رخ داده است (Office Home UK, ۲۰۲۵).

در سطح عوامل اقتصادی، فقر و بیکاری به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده عمل می‌کنند. در مناطقی که فرصت‌های اقتصادی محدود است و مردان نتوانسته‌اند جایگاه اجتماعی خود را از طریق اشتغال و درآمد تثبیت کنند، «ناموس» به‌عنوان یک عرصه جایگزین برای نمایش قدرت و کنترل مردانگی عمل می‌کند. از دست دادن کنترل اقتصادی و اجتماعی، در ترکیب با فرهنگ مردسالارانه، می‌تواند به خشونت‌های ناموسی دامن بزند (رحمانی‌پور، ۱۴۰۲).

در سطح عوامل حقوقی-قضایی، وجود معاذیر قانونی و تخفیف‌های مجازات برای مرتکبان قتل‌های ناموسی، به‌عنوان یک عامل کلیدی در تسهیل این نوع قتل‌ها عمل می‌کند. همان‌طور که مهدوی و همکاران (۱۴۰۲) اشاره کرده‌اند، «نوع و میزان مجازات تعیین شده برای عاملان قتل‌های ناموسی که با معاذیر مخففه همراه می‌باشد از مهم‌ترین تأثیرات قوانین کیفری در افزایش میزان وقوع این نوع قتل‌ها است» (ص. ۱۰۸). این موضوع در نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» نیز قابل تبیین است؛ زمانی که هزینه‌های ارتکاب جرم کاهش می‌یابد، احتمال ارتکاب آن افزایش می‌یابد (Clarke, ۲۰۲۱).

در سطح عوامل روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی مرتکبان از جمله اختلالات شخصیت خودشیفته و ضداجتماعی، عدم کنترل تکانه، و سوءمصرف مواد مخدر و الکل می‌توانند در ارتکاب این نوع قتل‌ها نقش داشته باشند. با این حال، آنچه قتل ناموسی را از سایر قتل‌های خانوادگی متمایز می‌کند، نه ویژگی‌های فردی مرتکب، بلکه «مجوز اجتماعی» و «مجوز قانونی» نسبی‌ای است که این عمل را در برخی بسترهای فرهنگی موجه جلوه می‌دهد (Gill, ۲۰۲۳).

جدول ۱: طبقه‌بندی عوامل زمینه‌ساز قتل‌های ناموسی

سطح تحلیل	عوامل کلیدی	مصادیق در بستر ایران
فرهنگی-اجتماعی	مردسالاری، فرهنگ شرم، تلقی زن به‌عنوان مالکیت	باور به «غیرت» به‌عنوان فضیلت، کنترل رفتار جنسی زنان، ازدواج اجباری
اقتصادی	فقر، بیکاری، نبود فرصت‌های اقتصادی	مناطق محروم، اقتصادهای مبتنی بر کشاورزی و دامداری سنتی
حقوقی-قضایی	معاذیر قانونی، تخفیف مجازات، رویه قضایی تخفیف‌گرا	مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ ق.م.ا، احراز شبهه عمد در رویه قضایی
روان‌شناختی	اختلالات شخصیت، سوءمصرف مواد، عدم کنترل تکانه	ارتکاب قتل در حالت عصبانیت یا مستی، سابقه خشونت خانگی
ساختاری	ضعف نهادهای نظارتی، نبود سیستم گزارش‌دهی مؤثر	عدم ثبت بسیاری از قتل‌های ناموسی، برچسب خودکشی یا سانه

۴. تحلیل حقوقی قتل‌های ناموسی در ایران

تحلیل حقوقی قتل‌های ناموسی در ایران مستلزم بررسی دقیق مواد قانونی مرتبط، رویه قضایی و چالش‌های اجرایی است. در این بخش، ابتدا مبانی فقهی و قانونی این پدیده بررسی می‌شود و سپس رویه قضایی و تحولات قانونی اخیر مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴.۱. مبانی فقهی و قانونی قتل‌های ناموسی

مبنای اصلی برخورد متمایز قانون مجازات اسلامی با قتل‌های ناموسی را باید در فقه اسلامی جستجو کرد. در فقه امامیه، دو نهاد «قتل در فراش» و «عدم قصاص پدر در قتل فرزند» به‌عنوان استثناهایی بر حکم کلی قصاص شناخته می‌شوند که در قانون مجازات اسلامی بازتاب یافته‌اند.

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد. بنابراین اگر پدر یا جد پدری، فرزند خود یا نوه یا نتیجه خود را بکشد، قصاص نمی‌شود و فقط به پرداخت دیه و تعزیر محکوم می‌گردد.» این ماده که ریشه در روایات و فتوای مشهور فقها دارد، پدر را از مجازات قصاص معاف کرده و تنها

دیه و تعزیر را برای او پیش‌بینی می‌کند. نکته قابل تأمل آن است که این معافیت تنها شامل پدر و جد پدری می‌شود و مادر در صورت قتل فرزند، مشمول قصاص خواهد بود (ماده ۳۰۱ ق.م.ا).

ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی به «مهدورالدم» بودن زانی و زانیه در برابر شوهر اشاره دارد. مطابق بند «ث» این ماده، «زانی و زانیه در برابر شوهر، مهدورالدم خاص هستند و صرفاً در برابر شوهر، زانیه مستحق جنایت اعم از عضو و نفس است نه در برابر عام». این ماده به شوهر اجازه می‌دهد در صورت مشاهده همسر خود در حال زنا با مرد اجنبی، در همان لحظه او را به قتل برساند و از مجازات معاف شود.

ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می‌دارد: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد، فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند». این ماده، که به «قتل در فراش» معروف است، عملاً به شوهر اجازه می‌دهد در صورت مشاهده خیانت همسر خود، دست به قتل بزند و از مجازات قصاص معاف شود (کرامتی و همکاران، ۱۴۰۴).

ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی نیز به ادعای اشتباه مرتکب در مهدورالدم بودن مجنی علیه اشاره دارد. مطابق این ماده، «هرگاه مرتکب مدعی باشد که مجنی علیه حسب مورد در نفس یا عضو مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است یا وی با چنین اعتقادی مرتکب جنایت بر او شده است این ادعا باید طبق موازین در دادگاه ثابت شود... اگر ثابت نشود که مجنی علیه مشمول ماده ۳۰۲ است و نیز ثابت نشود که مرتکب بر اساس چنین اعتقادی مرتکب جنایت شده است مرتکب به قصاص محکوم می‌شود ولی اگر ثابت شود که به اشتباه با چنین اعتقادی دست به جنایت زده و مجنی علیه نیز موضوع ماده ۳۰۲ نباشد مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات مقرر در کتاب پنجم تعزیرات محکوم می‌شود» (ماده ۳۰۳ ق.م.ا).

همان‌طور که از متن این مواد برمی‌آید، ماده ۳۰۳ به مرتکب این امکان را می‌دهد که به صرف داشتن «اعتقاد اشتباه» به مهدورالدم بودن مقتول، دست به جنایت بزند و در صورت اثبات اشتباه، تنها به پرداخت دیه و تعزیر محکوم شود. این ماده به‌ویژه در قتل‌های ناموسی که بر پایه سوءظن و اتهام بی‌اساس صورت می‌گیرد، اهمیت زیادی دارد، زیرا این مجوز را به مرتکب می‌دهد که با استناد به اعتقاد اشتباه خود، از قصاص رهایی یابد (شهبازی، ۱۴۰۳).

جدول ۲: مواد قانونی مرتبط با قتل‌های ناموسی و آثار حقوقی آن‌ها

ماده قانونی	مفاد	اثر حقوقی	نقد
ماده ۳۰۱ ق.م.ا.	معافیت پدر و جد پدری از قصاص در قتل فرزند	محکومیت به دیه و تعزیر	تبعیض آشکار میان پدر و مادر، تقویت نگاه مالکانه به فرزند
ماده ۳۰۲ ق.م.ا.	مهدورالدم بودن زانی و زانیه در برابر شوهر	معافیت شوهر از قصاص در قتل همسر در حال زنا	گسترش دامنه معافیت به موارد سوءظن و اتهام بی‌اساس
ماده ۶۳۰ ق.م.ا.	جواز قتل همسر و مرد اجنبی در حال زنا توسط شوهر	معافیت شوهر از مجازات	عدم نیاز به اثبات زنا در دادگاه، کافی بودن مشاهده شخصی
ماده ۳۰۳ ق.م.ا.	پذیرش ادعای اشتباه در مهدورالدم بودن	محکومیت به دیه و تعزیر به جای قصاص	تسهیل سوءاستفاده از ادعای اشتباه برای فرار از قصاص

۴.۲. رویه قضایی و چالش‌های اجرایی

رویه قضایی ایران در مواجهه با قتل‌های ناموسی، به واسطه وجود مواد قانونی فوق و همچنین رویکرد محتاطانه قضات در صدور حکم قصاص، به سمت تخفیف مجازات سوق یافته است. بررسی پرونده‌های قضایی نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، قضات به جای احراز قتل عمد، به دلیل وجود شبهه در انگیزه یا شرایط ارتکاب، حکم به شبه عمد و محکومیت به دیه و حبس کوتاه مدت می‌دهند.

نمونه بارز این رویه، پرونده‌ای است که در سال ۱۴۰۳ در تهران رخ داد. در این پرونده، مردی ۶۳ ساله همسر ۵۵ ساله خود را به بهانه سوءظن به رابطه با همسایه، به داخل چاه انداخته و به قتل رسانده بود. وی ابتدا به قتل اعتراف کرد، اما در دادگاه منکر قتل عمد شد و مدعی شد که همسرش خودش به داخل چاه سقوط کرده است. دادگاه کیفری استان تهران، این فرد را از اتهام قتل عمد تبرئه کرده و به دلیل «شبه عمد» به پرداخت دیه و سه سال حبس محکوم کرد (هنگاو، ۱۴۰۳). این حکم به وضوح نشان می‌دهد که چگونه وجود شبهه در انگیزه و شرایط ارتکاب، می‌تواند به تخفیف قابل توجه مجازات منجر شود.

در پرونده دیگری که در سال ۱۴۰۲ در تهران رسیدگی شد، زوج جوانی به اتهام قتل مردی میانسال با ادعای «دفاع ناموسی» محاکمه شدند. متهمان مدعی بودند که مقتول قصد تجاوز به نامزد آنها را داشته و آنها برای دفاع از ناموس خود دست به قتل زده‌اند. دادگاه کیفری استان تهران، پس از بررسی پرونده، هر دو متهم را به قصاص محکوم کرد (اعتماد آنلاین، ۱۴۰۲). این پرونده نشان می‌دهد که رویه قضایی در مواردی که ادعای دفاع ناموسی با قرائن و شواهد قوی همراه نباشد، می‌تواند به سمت محکومیت به قصاص سوق یابد.

با این حال، چالش اصلی در رویه قضایی، تفاوت رویه‌ها در دادگاه‌های مختلف است. در برخی استان‌ها و شهرستان‌ها، به‌ویژه در مناطق محروم و سنتی، قضات تحت تأثیر نگاه‌های سنتی و فرهنگی، تمایل بیشتری به تخفیف مجازات مرتکبان قتل‌های ناموسی دارند. گزارش‌ها حاکی از آن است که «قضات به‌ویژه در مناطق محروم، تحت تأثیر نگاه‌های سنتی و فرهنگ مردسالارانه مجازات‌های سبک‌تری بر مرتکبان قتل‌های ناموسی اعمال می‌کنند» (هم‌میهن آنلاین، ۱۴۰۴). این تفاوت رویه، خود به‌عنوان یک چالش جدی در راه مبارزه با این پدیده عمل می‌کند.

۴.۳. تحولات قانونی اخیر: لایحه تأمین امنیت زنان

در سال‌های اخیر، تلاش‌هایی برای اصلاح قوانین مرتبط با خشونت علیه زنان صورت گرفته است. مهم‌ترین این تلاش‌ها، لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر سوء رفتار» است که کلیات آن در فروردین ۱۴۰۲ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. این لایحه که پس از ۱۲ سال رفت و آمد میان سه قوه، سرانجام در مجلس یازدهم به تصویب کلیات رسید، شامل مجموعه‌ای از مقررات برای مقابله با خشونت علیه زنان از جمله قتل‌های ناموسی است (ایکانا، ۱۴۰۲).

مطابق این لایحه، جرائمی مانند زن‌کشی، دخترکشی، خون‌بس، طلاق یا ازدواج اجباری با تشدید مجازات قضایی مواجه می‌شوند و مرتکبان آن‌ها یعنی پدر و برادر، وصی و شوهر، مشمول کیفر قضایی سخت‌گیرانه‌تری خواهند شد (ایکانا، ۱۴۰۲). با این حال، این لایحه با انتقاداتی نیز مواجه بوده است. برخی کارشناسان معتقدند که این لایحه «راهکاری برای پایان دادن به قتل ناموسی ندارد» و «ادامه سیاست خانواده در ایران با هدف حفظ وضع موجود و خانواده سنتی است» (دیدبان ایران، ۱۴۰۴).

یکی از نقاط ضعف اصلی این لایحه، عدم بازنگری در مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی است. تا زمانی که این مواد قانونی که به‌عنوان «مجاز قانونی» برای قتل‌های ناموسی عمل می‌کنند، اصلاح نشوند، تصویب قوانین جدید نمی‌تواند به‌طور مؤثر با این پدیده مقابله کند. همان‌طور که کرامتی و همکاران (۱۴۰۴) اشاره کرده‌اند، «سیاست‌های سرکوب‌گرانه، حتی با تأکید بر پیشگیری و بازدارندگی، نمی‌توانند این مسئله را از جامعه ریشه‌کن کنند. در عوض، تحول فرهنگی از طریق تغییر ذهنیت‌ها، نهادینه‌سازی گفتمان انسانی و توانمندسازی زنان - در کنار قانون‌گذاری جامع با تضمین‌های اجرایی مؤثر - ضروری است» (ص. ۲۵).

۵. تحلیل تطبیقی: رویکرد نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی

برای درک بهتر رویکرد نظام حقوقی ایران به قتل‌های ناموسی و ارائه راهکارهای اصلاحی، مقایسه با سایر نظام‌های حقوقی ضروری است. در این بخش، رویکرد دو نظام بزرگ حقوقی جهان یعنی کامن‌لا و رومی ژرمنی به این پدیده بررسی می‌شود.

۵.۱. رویکرد نظام کامن‌لا: انگلستان و کانادا

نظام کامن‌لا، که در انگلستان و بسیاری از کشورهای مشترک‌المنافع از جمله کانادا، استرالیا و نیوزیلند حاکم است، رویکردی قاطع و بدون تسامح نسبت به قتل‌های ناموسی اتخاذ کرده است. در این نظام‌ها، هیچ دفاع قانونی مبتنی بر «ناموس» یا «شرف» وجود ندارد و قتل ناموسی به‌عنوان قتل عمد و با مجازات کامل قانونی (در بسیاری از موارد حبس ابد) مجازات می‌شود.

در انگلستان، **قانون کیفری ۲۰۰۹ و قانون خشونت خانگی ۲۰۲۱** چارچوب قانونی جامعی برای مقابله با خشونت مبتنی بر ناموس ایجاد کرده‌اند. مطابق راهنمای دادستانی سلطنتی انگلستان (CPS, ۲۰۲۳)، «هیچ دفاع قانونی وجود ندارد که به متهم اجازه دهد ادعا کند جرمی را بر اساس دین یا ناموسی که خانواده یا جامعه بر او تحمیل کرده، مرتکب شده است.» قتل‌های ناموسی در انگلستان به‌عنوان «قتل درجه یک» تلقی می‌شوند و انگیزه ناموسی به‌عنوان یک **عامل مشدد** در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند به افزایش مجازات منجر شود.

در کانادا نیز رویکرد مشابهی حاکم است. **قانون کیفری کانادا**، اگرچه به‌صراحت به «قتل ناموسی» اشاره نکرده، اما این نوع قتل‌ها را تحت عنوان «قتل» و «قتل درجه یک» مورد تعقیب قرار می‌دهد. در سال ۲۰۱۹، **لایحه S-7** به تصویب رسید که به‌طور خاص دفاع از «تحریک» (Provocation) را در موارد قتل‌های ناموسی محدود کرد. مطابق این لایحه، «در موارد قتل‌های ناموسی، دفاع از تحریک می‌توانست مطرح شود در حالی که قربانی به دلیل رفتار یا انتخاب‌های شخصی خود در "حالت عصبانیت" کشته می‌شد» (Canada of Senate, ۲۰۲۳). با تصویب این لایحه، استفاده از دفاع تحریک در قتل‌های ناموسی به‌شدت محدود شده است.

۵.۲. رویکرد نظام رومی ژرمنی: آلمان و فرانسه

نظام رومی ژرمنی، که در آلمان، فرانسه، ایتالیا و بسیاری از کشورهای اروپایی قاره‌ای حاکم است، رویکردی متفاوت اما به همان اندازه سخت‌گیرانه نسبت به قتل‌های ناموسی اتخاذ کرده است. در این نظام‌ها، اگرچه قوانین مدون و مشخصی برای قتل‌های ناموسی وجود دارد، اما رویکرد دادگاه‌ها به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر رویه قضایی و اصول حقوقی کلی قرار می‌گیرد.

در آلمان، قتل‌های ناموسی تحت عنوان **قتل عمد (Mord)** مورد تعقیب قرار می‌گیرند. مطابق **بند ۲۱۱ قانون مجازات آلمان**، قتل عمد در صورتی محقق می‌شود که مرتکب با انگیزه‌های پست مانند «لذت کشتن، ارضای غریزه جنسی، حرص و طمع، یا سایر انگیزه‌های پست» دست به قتل بزند. دادگاه عالی فدرال آلمان در رأی خود به تاریخ ۲۸ فوریه ۲۰۰۴ (StR ۵) ۴۷۹/۰۲ به‌صراحت اعلام کرد که «انگیزه بازگرداندن ناموس، به‌عنوان یک قاعده، یک انگیزه پست تلقی می‌شود» (Federal Justice of Court, ۲۰۲۲). این بدان معناست که در آلمان، انگیزه ناموسی نه تنها تخفیف‌آور نیست، بلکه به‌عنوان یک عامل مشدد جرم تلقی می‌شود و می‌تواند به محکومیت به حبس ابد منجر شود.

در فرانسه، قتل‌های ناموسی تحت عنوان قتل عمد مورد تعقیب قرار می‌گیرند. قانون مجازات فرانسه (pénal Code) در ماده ۲۲۱-۱ خود، قتل عمد را به «حبس ابد» محکوم می‌کند. دادگاه‌های فرانسه نیز در سال‌های اخیر رویکرد سخت‌گیرانه‌ای نسبت به قتل‌های ناموسی اتخاذ کرده‌اند و انگیزه ناموسی را به‌عنوان یک عامل مشدد در نظر می‌گیرند (Pécorella & Cardinale, ۲۰۲۳).

جدول ۳: مقایسه رویکرد نظام‌های حقوقی به قتل‌های ناموسی

نظام حقوقی	کشور	دفاع مبتنی بر ناموس	تلقی انگیزه ناموسی	مجازات قتل ناموسی
کامن‌لا	انگلستان	ندارد	عامل مشدد	حبس ابد
کامن‌لا	کانادا	ندارد	عامل مشدد	حبس ابد
رومی ژرمنی	آلمان	ندارد	انگیزه پست (عامل مشدد)	حبس ابد
رومی ژرمنی	فرانسه	ندارد	عامل مشدد	حبس ابد
حقوق ایران	ایران	معاذیر قانونی (مواد ۳۰۱، ۳۰۲، ۶۳۰)	تخفیف‌آور	دیه و تعزیر (در موارد مشمول معاذیر)

۵.۳. مقایسه با رویکرد نظام‌های حقوقی منطقه: پاکستان، ترکیه و اردن

در کنار مقایسه با نظام‌های کامن‌لا و رومی ژرمنی، مقایسه با کشورهای منطقه که با پدیده قتل‌های ناموسی مواجه بوده‌اند نیز می‌تواند آموزنده باشد.

پاکستان در سال ۲۰۱۶ قانون مقابله با قتل‌های ناموسی را تصویب کرد که مطابق آن، قتل ناموسی با مجازات اعدام یا حبس ابد قابل مجازات است. با این حال، این قانون یک ضعف اساسی دارد: به ورثه قربانی اجازه می‌دهد که مرتکب را عفو کنند و از مجازات نجات دهند. این loophole (حفره قانونی) باعث شده که بسیاری از مرتکبان قتل‌های ناموسی از مجازات فرار کنند (International Amnesty, ۲۰۲۳). با این وجود، اصلاحات قانونی در پاکستان نشان‌دهنده تغییر تدریجی رویکرد قانونگذار به این پدیده است.

ترکیه در سال ۲۰۰۴ با اصلاح قانون مجازات خود، ماده ۲۹ (تحریک غیرمنصفانه) را اصلاح کرد و به‌صراحت اعلام نمود که «انگیزه ناموسی یا سنتی» نمی‌تواند به‌عنوان عامل تخفیف‌دهنده محسوب شود. مطابق ماده ۸۲ قانون مجازات ترکیه، «ارتکاب جرم با انگیزه سنتی یا اخلاقی» به‌عنوان یک عامل مشدد تلقی می‌شود (Nations United, ۲۰۲۴). با این حال،

گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری حاکی از آن است که در رویه قضایی ترکیه، همچنان تخفیف‌های غیررسمی در برخی موارد اعمال می‌شود (Europe Violence Against Women, ۲۰۲۴).

اردن یکی از کشورهایی است که تا سال‌های اخیر ماده ۳۴۰ قانون مجازات را در اختیار داشت که به مرتکب قتل ناموسی اجازه می‌داد از تخفیف مجازات بهره‌مند شود. این ماده سرانجام در سال ۲۰۱۱ اصلاح شد، اما ماده ۹۸ همچنان به قضات اجازه می‌دهد در موارد «تحریک» مجازات را تخفیف دهند. سازمان‌های حقوق بشری از اردن خواسته‌اند که ماده ۹۸ را نیز اصلاح کند تا در موارد قتل‌های ناموسی قابل اعمال نباشد (Watch Rights Human, ۲۰۲۳).

۶. بحث و یافته‌ها

تحلیل تطبیقی رویکرد نظام‌های حقوقی مختلف به قتل‌های ناموسی، حاوی درس‌های مهمی برای ایران است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در نظام‌های حقوقی پیشرفته، اعم از کامن‌لا و رومی ژرمنی، رویکردی قاطع و بدون تسامح نسبت به قتل‌های ناموسی حاکم است. در این نظام‌ها، انگیزه ناموسی نه تنها تخفیف‌آور نیست، بلکه به‌عنوان یک عامل مشدد جرم تلقی می‌شود که می‌تواند به افزایش مجازات منجر شود. این رویکرد بر این ایده استوار است که قتل یک انسان، تحت هر عنوان و بهانه‌ای، قابل توجیه یا تخفیف نیست و کرامت انسانی بالاتر از هر ارزش فرهنگی و سنتی قرار دارد.

در مقابل، رویکرد نظام حقوقی ایران، به واسطه وجود معاذیر قانونی در مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، به گونه‌ای است که عملاً به کاهش مجازات مرتکبان قتل‌های ناموسی می‌انجامد. این معاذیر که ریشه در فقه اسلامی دارند، در بستر اجتماعی و فرهنگی ایران، به‌عنوان «مجوز قانونی» برای ارتکاب قتل‌های ناموسی عمل می‌کنند. به بیان دیگر، قانونگذار با پیش‌بینی این معاذیر، پیام نانوشته‌ای به جامعه مخابره می‌کند که «جان زنان و دختران در برابر ناموس، ارزش کمتری دارد» و این پیام، خود به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده در ارتکاب این نوع قتل‌ها عمل می‌کند (شهبازی، ۱۴۰۳).

تحلیل جرم‌شناختی این پدیده نیز نشان می‌دهد که قتل‌های ناموسی محصول هم‌آمیزی پیچیده‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی است. در سطح فرهنگی، باورهای مردسالارانه و حاکمیت «فرهنگ شرم» زمینه‌ساز اصلی این پدیده هستند. در سطح اجتماعی، ضعف نهادهای نظارتی و نبود سیستم گزارش‌دهی مؤثر باعث می‌شود بسیاری از موارد این نوع قتل‌ها مخفی بمانند. در سطح اقتصادی، فقر و بیکاری به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده عمل می‌کنند. و در سطح حقوقی، وجود معاذیر قانونی و رویه قضایی تخفیف‌گرا، به‌عنوان عامل کلیدی در افزایش ارتکاب این نوع قتل‌ها شناخته می‌شود.

نکته مهم دیگری که از تحلیل تطبیقی حاصل می‌شود، نقش رویه قضایی در کنار قانون است. در آلمان، اگرچه قانون مجازات این کشور به‌صراحت به «قتل ناموسی» اشاره نکرده، اما دادگاه عالی فدرال آلمان با تفسیر «انگیزه پست» در بند ۲۱۱ قانون مجازات، انگیزه ناموسی را به‌عنوان یک انگیزه پست و از مصادیق قتل عمد درجه یک تلقی کرده است. این نشان می‌دهد که حتی در نظام‌های حقوقی با قوانین مدون، رویه قضایی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در برخورد با پدیده‌های نوظهور یا پیچیده

ایفا کند. در ایران نیز، اگرچه قوانین موجود امکان تخفیف را فراهم می‌کنند، اما رویه قضایی می‌تواند با تفسیر مضیق این مواد و احراز شرایط دقیق معاذیر، از تخفیف‌های ناروا جلوگیری کند.

پیشنهادهای سیاست جنایی بر اساس یافته‌های این پژوهش را می‌توان در دو سطح کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه کرد:

در سطح کوتاه‌مدت:

۱. بازنگری در مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی: حذف یا محدودسازی معاذیر قانونی که به کاهش مجازات مرتکبان قتل‌های ناموسی می‌انجامد. به‌ویژه، ماده ۳۰۱ که تبعیض آشکاری میان پدر و مادر قائل شده، باید اصلاح شود.

۲. افزایش آگاهی قضات: برگزاری دوره‌های آموزشی برای قضات در مورد ماهیت قتل‌های ناموسی، آسیب‌های آن و لزوم برخورد قاطع با آن. این دوره‌ها باید بر تفسیر مضیق مواد قانونی و احراز دقیق شرایط معاذیر متمرکز باشد.

۳. ایجاد سیستم گزارش‌دهی مؤثر: طراحی سازوکاری برای ثبت و گزارش‌دهی دقیق قتل‌های ناموسی، با مشارکت نهادهای مدنی و سازمان‌های حقوق بشری. بسیاری از این قتل‌ها در حال حاضر به‌عنوان «خودکشی» یا «سانحه» ثبت می‌شوند و آمار واقعی پنهان می‌ماند.

در سطح بلندمدت:

۴. تحول فرهنگی و آموزشی: اجرای برنامه‌های آموزشی گسترده در مدارس و رسانه‌ها برای تغییر نگرش‌های مردسالارانه و ترویج فرهنگ احترام به حقوق زنان. این برنامه‌ها باید بر ایده «کرامت انسانی» به جای «ناموس» به‌عنوان ارزش بنیادین متمرکز باشند.

۵. قانون‌گذاری جامع: تدوین و تصویب قانونی جامع برای مقابله با خشونت علیه زنان که شامل تعریف دقیق قتل ناموسی، مجازات‌های بازدارنده و حمایت از قربانیان باشد. لایحه «تأمین امنیت زنان» گام مهمی در این راستا است، اما نیازمند تکمیل و تقویت است.

۶. الگوگیری از نظام‌های حقوقی موفق: با توجه به رویکرد قاطع نظام‌های کامن‌لا و رومی ژرمنی، ایران می‌تواند با الگوگیری از این نظام‌ها، انگیزه ناموسی را به‌عنوان عامل مشدد جرم قتل پیش‌بینی کند و دفاع مبتنی بر ناموس را به‌کلی حذف نماید.

۷. نتیجه‌گیری

پدیده قتل‌های ناموسی، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و مظلوم‌ترین اشکال خشونت علیه زنان، همچنان به‌عنوان یک معضل جدی در جامعه ایران مطرح است. تحلیل جرم‌شناختی و حقوقی این پدیده نشان می‌دهد که ریشه‌های آن را باید در هم‌آمیزی

باورهای فرهنگی مردسالارانه، ساختارهای اجتماعی نابرابر، عوامل اقتصادی و مهم‌تر از همه، خلأها و ابهامات قوانین کیفری جستجو کرد. مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی که به واسطه پیش‌بینی معاذیر قانونی و تخفیف‌های خاص، عملاً به کاهش مجازات مرتکبان قتل‌های ناموسی می‌انجامند، به‌عنوان عامل کلیدی در تسهیل و افزایش این نوع قتل‌ها شناخته می‌شوند.

تحلیل تطبیقی رویکرد نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی نشان می‌دهد که در این نظام‌ها، رویکردی قاطع و بدون تسامح نسبت به قتل‌های ناموسی حاکم است. در انگلستان و کانادا، هیچ دفاع قانونی مبتنی بر ناموس وجود ندارد و انگیزه ناموسی به‌عنوان عامل مشدد جرم تلقی می‌شود. در آلمان، دادگاه عالی فدرال انگیزه ناموسی را به‌عنوان «انگیزه پست» و از مصادیق قتل عمد درجه یک شناخته است. در ترکیه نیز اصلاحات قانونی مشابهی صورت گرفته و انگیزه ناموسی به‌عنوان عامل مشدد جرم قتل پیش‌بینی شده است. این در حالی است که در ایران، نه تنها چنین رویکردی وجود ندارد، بلکه معاذیر قانونی موجود، به‌عنوان «مجوز قانونی» برای ارتکاب این نوع قتل‌ها عمل می‌کنند.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که قانونگذار ایران با الگوگیری از نظام‌های حقوقی موفق، مواد ۳۰۱، ۳۰۲ و ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی را بازنگری کند، انگیزه ناموسی را به‌عنوان عامل مشدد جرم قتل پیش‌بینی نماید، و در کنار اصلاحات قانونی، برنامه‌های فرهنگی و آموزشی گسترده‌ای برای تغییر نگرش‌های مردسالارانه و ترویج فرهنگ احترام به حقوق زنان اجرا کند. تنها از طریق این رویکرد چندوجهی است که می‌توان امیدوار بود که چرخه خشونت ناموسی در ایران متوقف شود و کرامت انسانی زنان و دختران به‌عنوان یک ارزش بنیادین و غیرقابل مصادره به رسمیت شناخته شود.

منابع

- Akers, R. L. & Sellers, C. S. (2021). *Criminological theories: Introduction, evaluation, and application* 8th ed. (Oxford University Press).
- Amnesty International (2023). (Pakistan: Authorities must end impunity of tribal councils as so-called "honour killings" continue unabated. <https://www.amnistia.org>
- Becker, H. S. (2023). *(Outsiders: Studies in the sociology of deviance*. Free Press.
- Clarke, R. V. (2021). *(Situational crime prevention: Successful case studies* 3rd ed. (Criminal Justice Press).
- Cooney, M. (2019). *(Execution by family: A theory of honor violence*. Routledge.
- CPS (2023). *(So-called honour-based abuse*. Crown Prosecution Service. <https://www.cps.gov.uk>
- Federal Court of Justice (2022). (Judgment of 6 December 2022 – 5 StR 479/22. Bundesgerichtshof.

Gill ,A .K) .۲۰۲۳ .(Honour killings and violence against women in the ۲۱st century . Routledge.

Hirschi ,T) .۲۰۲۲ .(Causes of delinquency .University of California Press.

Human Rights Watch) .۲۰۲۳ .(Jordan :Ensure justice for victims of "honour" crimes .
<https://www.hrw.org>

Korteweg ,A .C ,Baerveldt ,C ,& Ghorashi ,H) .۲۰۲۲ .(Honour-based violence :An intercultural moral dilemma .Journal of Intercultural Studies ,۴۳)۲ ,(۱۸۹-۲۰۶.

Pécorella ,G ,& Cardinale ,M) .۲۰۲۳ .(The discrepancies between advanced laws and judicial resistance in the fight against honour-based violence in Italy .Italian Journal of Criminology , ۱۷)۱ ,(۴۵-۶۲.

Senate of Canada) .۲۰۲۳ .(Proceedings of the Standing Senate Committee on Human Rights .
<https://sencanada.ca>

Stop Honor Killings) .۲۰۲۴ .(Fourth quarterly report of ۲۰۲۴ on honour killings in Iran .
<https://stophonorkillings.org>

UK Home Office) .۲۰۲۵ .(Country policy and information note :Women fearing 'honour' based violence ,Iran .<https://www.gov.uk>

United Nations) .۲۰۲۴ .(Report of the Special Rapporteur on extrajudicial ,summary or arbitrary executions .UN Doc .A/HRC/۵۵/XX.

Women Against Violence Europe) .۲۰۲۴ .(Urgent call to improve legislative framework on honour killings in Turkey .<https://wave-network.org>

اعتماد آنلاین. (۱۴۰۲). حکم قصاص برای زوج جوان به اتهام قتل با ادعای دفاع ناموسی.
[com.etemadonline//www.https](https://www.etemadonline.com)

ایکانا. (۱۴۰۲). قانون تأمین امنیت زنان، راه را بر ترویج زن‌کشی، دخترکشی و خون‌بس می‌بندد. [ir.icana//www.https](https://www.icana.ir)

دیدبان ایران. (۱۴۰۴). قتل ناموسی | دیدبان ایران. [ir.didbaniran//www.https](https://www.didbaniran.ir)

رحمانی‌پور، ح. (۱۴۰۲). مطالعه جرم‌شناختی قتل‌های ناموسی خانوادگی دختران زیر ۱۸ سال [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. دانشگاه علامه طباطبائی.

شهبازی، م. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی فقهی و حقوقی قتل‌های ناموسی در نظام حقوقی ایران و پاکستان. مطالعات حقوقی تطبیقی، ۴(۱)، ۲۳-۴۵.

کرامتی، ط.، رحیمی‌نژاد، ا.، گلایی، ف.، فانی، ر.، و هادی، د. (۱۴۰۴). چالش‌های حقوق کیفری ایران در قبال خشونت علیه زنان. مطالعات تطبیقی فقه، حقوق و علوم سیاسی، ۷(۳)، ۱۵-۳۵.

کمپین توقف قتل‌های ناموسی. (۲۰۲۴). گزارش تحقیقی از قتل‌های «ناموسی» سال ۱۴۰۲ در ایران. [com.radiozamaneh//www.https](https://www.radiozamaneh.com)

مهدوی، د.، عالی‌پور، ح.، و بابایی، م. ع. (۱۴۰۲). رویکرد فقه و سیاست کیفری ایران نسبت به قتل‌های ناموسی؛ چالش‌ها و راهکارهای پیشگیری. فقه جزای تطبیقی، ۳(۲)، ۱۰۷-۱۱۶.

هنگاو. (۱۴۰۳). گزارشی از قتل یک زن میانسال با انگیزه ناموسی در تهران و تبرئه قاتل. [net//hengaw.https](https://hengaw.net)

هم‌میهن آنلاین. (۱۴۰۴). زنان در تقاطع تبعیض و رنج. [ir//hammihanonline.https](https://hammihanonline.ir)